

علل تمایل به تغییر رشته از فقه و حقوق اسلامی به حقوق (مورد)
مطالعه: دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

Reasons of the Desire to Change the Major of Islamic Jurisprudence
and Law to Law among the Students of Bachelor Degree at Imam
Khomeini International University

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۸/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۶/۰۵

Mohaddeseh Moeinifar
Maryam Moeinifar

محدثه معینی‌فر*

مریم معینی‌فر**

Abstract: In the recent years, some students of Islamic jurisprudence and law at Imam Khomeini International University have been demanding to change their major to law major while undergoing undergraduate studies, and the group of students who do not have the possibility to change their major to law, in the master's degree test changing their field. Reaching to this end, a qualitative and semi-structured interview was conducted with 15 undergraduate students in the field of Islamic jurisprudence and law to determine the causes, consequences and strategies of this phenomenon. According to the results of the research, non-admission in the major of law and the lack of correct choices about the major, are the causal conditions for changing the major of students' Islamic jurisprudence and law. The quality of educational system, economic factors, educational environment and social status of the major of law as context and false counseling, bureaucracy, changing major by some students of Islamic jurisprudence and law to law major have also been identified as intervening conditions. Finally, there are solutions in line with promotion of the quality and position of Islamic jurisprudence and law was proposed.

Key Words: Changing major, Grounded Theory, Islamic jurisprudence and law, Law.

چکیده: در سال‌های اخیر، برخی دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حین تحصیل در مقطع کارشناسی، خواستار تغییر رشته خود به حقوق هستند. آن گروه از دانشجویانی که امکان تغییر رشته بر اساس قوانین را ندارند نیز در آزمون کارشناسی ارشد به تغییر رشته اقدام می‌کنند. به همین منظور، با رویکردی کیفی و بر اساس روش داده‌بنیاد، مصاحبه نیمه ساختار یافته‌ای با ۱۵ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی رشته فقه و حقوق اسلامی صورت گرفت تا علت‌ها، پیامدها و راهبردهای این پدیده مشخص شود.

بر اساس نتایج پژوهش، پذیرفته نشدن در رشته حقوق و انتخاب نادرست رشته تحصیلی در هنگام شرکت در کنکور، علت‌های اصلی تغییر رشته دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی است. کیفیت نظام آموزشی، عوامل اقتصادی، محیط آموزشی و موقعیت اجتماعی رشته حقوق به‌عنوان مقوله زمینه و مشاوره نادرست، بوروکراسی و تغییر رشته برخی دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی به حقوق نیز به‌عنوان مقوله مداخله‌گر شناسایی شدند. در نهایت، راهکارهایی در جهت ارتقای کیفیت و جایگاه رشته فقه و حقوق اسلامی پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی: تغییر رشته، روش داده‌بنیاد، فقه و حقوق، حقوق.

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول):

(Moeinifar@isr.ikiu.ac.ir)

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران

مقدمه

در جامعه مدرک‌گرای ایرانی که فرهنگ و جامعه نقش بسزایی در تعیین آینده تحصیلی و شغلی جوانان دارد، بی‌شک موقعیت اجتماعی رشته و به تبع آن، بازار کار و درآمد از مهم‌ترین ادله انتخاب رشته حقوق در دانشگاه به شمار می‌رود و به همین دلیل، تعداد متقاضیان این رشته همواره نسبت به سایر رشته‌های گروه علوم انسانی بیشتر است. در این میان، آن دسته از دانشجویانی که رتبه لازم را در کنکور برای تحصیل در رشته حقوق به دست نمی‌آورند، از سوی مشاوران به تحصیل در رشته فقه و حقوق اسلامی تشویق می‌شوند تا راهی میان‌بر به رشته حقوق باشد. با توجه به ناکامی افراد در قبولی در رشته حقوق و القای حس برتری دانشجویان رشته حقوق نسبت به دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی، ورود به این رشته زمینه فرسودگی تحصیلی و احساس ناکامی دانشجویان را فراهم می‌آورد. بنابراین، به نظر می‌رسد اهمیت بررسی این موضوع از چند جهت قابل توجه است: نخست، تمایل بیش از اندازه دانش‌آموزان به انتخاب رشته حقوق و تحصیل در آن، دوم، راهنمایی اشتباه مشاوران تحصیلی برای اغنای تمایل دانش‌آموزان به تحصیل رشته حقوق؛ سوم، استمرار تمایل دانشجویان به تحصیل در رشته حقوق پس از قبولی در رشته فقه و حقوق اسلامی و تقاضا برای تغییر رشته (که البته این امر مختص رشته فقه و حقوق اسلامی نیست، بلکه دانشجویانی که در تحصیل سایر رشته‌ها نیز ناکام بوده‌اند، تمایل به تغییر رشته به حقوق دارند که در صورت پذیرفتن درخواستشان، به فقه و حقوق اسلامی تغییر رشته می‌دهند)؛ چهارم، تغییر رشته دانشجویان رشته فقه و حقوق در مقطع کارشناسی ارشد به حقوق؛ پنجم، تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی به دانشجو و دانشگاه. بر همین اساس، این موضوع در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) بررسی شد. طبق آمار اعلام‌شده از سوی معاونت آموزشی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶) که در جدول (۱) به تفکیک آمده است، سه نفر از دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی به رشته حقوق، یک نفر به رشته حسابداری و یک نفر به رشته زبان و ادبیات عربی تغییر رشته داده‌اند. در این میان، تعدادی از دانشجویان سایر رشته‌ها مانند حسابداری، مدیریت صنعتی، تاریخ تمدن و ملل اسلامی، تاریخ محض، زبان و ادبیات فارسی، تحصیل در رشته فقه و حقوق اسلامی را برگزیده‌اند که توجه و بررسی هرچه بیشتر مسئولان ذی‌ربط را پیرامون این مسئله می‌طلبد؛ زیرا این دانشجویان علاقه‌مند بودند که در رشته حقوق ادامه تحصیل دهند، اما به دلیلی نتوانسته‌اند رشته خود را به حقوق تغییر دهند و در عین حال، قادر به

تحصیل در رشته اولیه خود هم نبودند. بنابراین، اگر هر دانشجویی بر اساس توانایی و علاقه، رشته تحصیلی خود را انتخاب کند، بهره‌وری دانشجویان و وضعیت علمی کشور رشد قابل توجهی خواهد داشت.

جدول (۱) تغییر رشته دانشجویان کارشناسی «حقوق» و «فقه و حقوق اسلامی» دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۹)

ر.ج	نیمسال تحصیلی	رشته تحصیلی	تغییر رشته	تعداد تغییر رشته
۱	۳۹۲۲ (نیمسال دوم) (۱۳۹۲)	حقوق	علوم سیاسی	۱
۲	۳۹۴۱ (نیمسال اول) (۱۳۹۴)	علوم سیاسی	حقوق	۱
۳	۳۹۴۲ (نیمسال دوم) (۱۳۹۴)	تاریخ محض زبان و ادبیات فارسی	فقه و حقوق اسلامی فقه و حقوق اسلامی	۱ ۱
۴	۳۹۵۱ (نیمسال اول) (۱۳۹۵)	مدیریت صنعتی فقه و حقوق اسلامی	فقه و حقوق اسلامی زبان و ادبیات عربی	۱ ۱
۵	۳۹۵۲ (نیمسال دوم) (۱۳۹۵)	حسابداری تاریخ تمدن و ملل اسلامی زبان و ادبیات فارسی فقه و حقوق اسلامی	فقه و حقوق اسلامی فقه و حقوق اسلامی فقه و حقوق اسلامی حسابداری	۲ ۱ ۱ ۱
۶	۳۹۶۲ (نیمسال دوم) (۱۳۹۶)	حسابداری فقه و حقوق اسلامی	فقه و حقوق اسلامی حقوق	۱ ۲
۷	۳۹۷۱ (نیمسال اول) (۱۳۹۷)	علوم سیاسی فقه و حقوق اسلامی	حقوق حقوق	۱ ۱
		جمع کل		۱۶

با توجه به پیامدهای تغییر رشته در سطح خرد و کلان، این مقاله درصدد است علل تمایل به تغییر رشته را در دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی بررسی کند تا بتواند راهکارهایی را در جهت رفع این مسئله پیشنهاد دهد. شناسایی این علل، امکان ارتقای کیفیت نظام آموزشی و در نتیجه، افزایش رضایتمندی دانشجویان را در پی دارد. این پژوهش برای پاسخ به این پرسش اساسی، روش کیفی را به کار گرفته تا فهم عمل

اجتماعی امکان‌پذیر شود. یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های پژوهش کیفی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. در نظریه زمینه‌ای، این امکان برای پژوهشگر فراهم می‌شود که از یک فرایند یا کنش، یک نظریه یا به تعبیری، یک تبیین عام داشته باشد (ایمان، ۱۳۹۱).

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام گرفته، می‌توان ادعا کرد مطالعات صورت گرفته پیرامون پدیده تغییر رشته تحصیلی در ایران و سایر کشورها بسیار اندک است. این مطالعات در سایر کشورها، بیشتر به موضوع انتخاب اولیه رشته و ارتباط آن با انتخاب شغل توجه کرده‌اند (پارتر و آمبچ،^۱ ۲۰۰۶)؛ زیرا طبق قوانین آموزشی آنها، دانشجویان پس از ورود به دانشگاه و سپری کردن یک سال می‌توانند رشته خود را انتخاب کنند (فوراکر،^۲ ۲۰۱۲). در مطالعات اندکی که درباره تغییر رشته صورت گرفته، به برخی عوامل مؤثر بر این موضوع اشاره شده است. برای نمونه، در یکی از مطالعات، پس از بررسی پژوهش‌های دیگر در یک جمع‌بندی، عوامل زیر برای آن برشمرده شده‌اند: علاقه‌مندی به درس‌های رشته انتخابی جدید و تناسب آن با ویژگی‌های فردی، تناسب نداشتن رشته قبلی با ویژگی‌های دانشجوی، تصحیح انتخاب‌های پیشین و اتخاذ تصمیم آگاهانه درباره رشته برخلاف انتخاب ناآگاهانه در انتخاب رشته قبلی، رضایت نداشتن دانشجو از رشته و تعلق خاطر نداشتن به نظام آموزشی؛ برنامه‌های درسی، گروه دانشجویان و دانشکده و کسب نمره‌های پایین (ماراده،^۳ ۲۰۱۵). در مطالعه‌ای، کسب نمره‌های پایین که نشان‌دهنده تطابق و تناسب نداشتن رشته انتخابی با توانایی‌های دانشجوی است، به‌عنوان عامل تغییر رشته معرفی شده است؛ ولی حتی با وجود نمره‌های خوب دانشجو در درس‌ها، ممکن است باز هم عدم تناسب با رشته از سوی دانشجو احساس شود و به تغییر رشته اقدام کند. انتخاب‌های نامناسب نیز از دیگر دلایل تغییر رشته است. در این بررسی به‌طور کلی، نتیجه‌گیری شده که تغییر رشته دانشجویان عامل مشخصی ندارد، زیرا گاهی برخی از آنها به رشته‌ای کاملاً متفاوت با رشته قبلی وارد می‌شوند و برخی رشته‌ای نزدیک به رشته قبلی را انتخاب می‌کنند. جنسیت، کسب نمره‌های پایین و

1. Parter & Umbach

2. Foraker

3. Marade

ترجیحات از متغیرهای اساسی تغییر رشته هستند (آستورنه- فیگاری و اسپیر، ۲۰۱۷). در برخی مطالعات دیگر نیز علت تغییر رشته، ظرفیت دستیابی به شغل در رشته جدید، تغییر دانشکده و عدم رضایت اعلام شده است. برخی مطالعات در ایران به روش کیفی، با هدف فهم معانی ذهنی و تجربه دانشجویانی صورت گرفته که تغییر رشته داده‌اند. معروفی و آداک (۱۳۹۶) دریافتند عامل اقتصادی، ویژگی‌های رشته قبلی و بعدی و علایق و ویژگی‌های فردی، دلیل اساسی افراد برای تغییر رشته تحصیلی هستند. همچنین، بادامچی و قائم‌خانی (۱۳۹۴) در پژوهشی کیفی بیان کرده‌اند که نارضایتی از تحصیل در رشته‌های فنی، عنصر مشترک در میان مهاجران است. ارضا نشدن استعدادها و نیازهای متعالی انسان، ارضا نشدن روحیه تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی عمومی و اجتماعی و بی‌ارتباطی با آرمان‌های فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی از یک سو و جهان مدرن از سوی دیگر، از مهم‌ترین دلایل انصراف این نخبگان از تحصیل در رشته‌های مهندسی و ورود آنان به دنیای علوم انسانی است؛ دلایلی که هریک متضمن یکی از بیماری‌های عمیق نظام آموزش عالی امروز ایران است. در پژوهش‌های دیگری که با روش پیمایشی اجرا شده‌اند، عواملی همچون ناکارآمد بودن معیارهای تصمیم‌گیری در هنگام انتخاب رشته تحصیلی اولیه، ارزیابی انتقادی از رشته قبلی و شکل‌گیری انتظارات مثبت از تحصیل در رشته بعدی (جوهری، ۱۳۸۷)، علاقه دانشجویان، پیشنهاد استادان، علاقه به یک استاد خاص، سهولت قبولی در آزمون کنکور (فراهانی و علیدوست، ۱۳۹۲)، زمینه و ضرورت شغلی (زین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷)، انتخاب نادرست رشته تحصیلی در هنگام شرکت در کنکور و امید نداشتن به آینده از نظر دستیابی به شغل مناسب و مطمئن (محمودی، ۱۳۸۱) از دلایل تغییر رشته تحصیلی دانشجویان معرفی شده است. ذکایی و باغینی (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود با روش ترکیبی دریافتند تغییر رشته برای غالب دانشجویان کنشی عقلانی است که انگیزه اصلی آنها از انجام آن، پاسخ‌گویی به نیازها و ارزش‌های هویتی تغییر یافته در فرهنگ جدید دانشگاهی ایران است.

در مجموع، در تمامی این پژوهش‌ها تغییر رشته دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری مطالعه شده و هیچ یک از آنها موضوع تغییر رشته تحصیلی دانشجویان مقطع کارشناسی حین تحصیل طبق ضوابط و مقررات فصل دهم آیین‌نامه آموزشی دوره‌های

کاردانی، کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی پیوسته مصوب ۱۳۷۶/۰۲/۱۴ را بررسی نکرده‌اند؛ اما با توجه به تمایل زیاد دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) به تغییر رشته و ورود به رشته حقوق، در پژوهش حاضر، این موضوع در مقطع کارشناسی بررسی شده است. همچنین، نباید فراموش کرد آنهایی که نمی‌توانند به این خواسته دست یابند، در آزمون کارشناسی ارشد به تغییر رشته اقدام می‌کنند. همچنین در ایران، پژوهش درباره تغییر رشته تحصیلی در دانشگاه بسیار اندک است و پژوهشگران بیشتر انگیزه دانشجویان را در انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه مورد مذاقه قرار داده‌اند. به‌علاوه، بسیاری از این مطالعات دارای مبانی نظری نیستند؛ در نتیجه ضرورت بررسی این پدیده بر اساس روش گراند تئوری را بیش از پیش مشخص می‌کند.

هر چند در پژوهش‌های کیفی نظریه‌آزمایی مد نظر نیست، اما نظریه‌ها برای تحلیل نتایج و افزایش حساسیت نظری در این مقاله بررسی شدند. بر اساس نظریه عمل منطقی انتخاب رشته تحت تأثیر عوامل فردی یا عقاید آنان رخ می‌دهد. این عوامل به دو دسته تقسیم می‌شوند: «باورهای تجربی» مانند مشکلات رشته تحصیلی، استعدادها، مورد نیاز هر رشته، میزان کار آن و «باورهای هنجاری» مانند منابع شغلی آن رشته، فرصت و امنیت شغلی و تصویر اجتماعی و فردی فرد. «باورهای تجربه شده»^۲ نیز به تأثیر عزت نفس و کارآمدی فرد بر انتخابش در دستیابی به موفقیت اشاره دارد. در نظریه انتخاب شغل اتفاقی^۳، عوامل مؤثر بر انتخاب دانشجویان و کیفیت ارتباط این عوامل با زمانی بررسی شده است که این دانشجویان، در مدرسه دانش آموز بوده‌اند. راهکارهایی برای جذب دانشجویان به یک رشته خاص وجود دارد که ممکن است دانشجویان را نسبت به تغییر رشته ترغیب کند (سیمور و سرومولو، ۲۰۱۶). همچنین، نظریه تصویر نیز بیان می‌کند مردم بر اساس آنچه می‌بینند، تصمیم می‌گیرند. بر همین اساس، وجهه رشته، اثر بسیاری بر انتخاب آن از سوی دانشجویان دارد (زرافشانی و همکاران، ۱۳۹۵). مطابق نظریه چاپمن، انتخاب رشته بر اساس عوامل درونی، مانند علایق فردی، نگرش و عملکرد تحصیلی و نیز عوامل بیرونی همچون دیگران مهم، خانواده، دوستان و

1. The theory of reasoned action

2. Experiential beliefs

3. Career choice events

4. Symour and Serumola

ویژگی‌های دانشگاه مانند مکان، سطح تحصیلی و میزان شهریه صورت می‌گیرد (زین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷).

روش‌شناسی

«نظریه داده‌بنیاد، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل می‌شوند» (استراوس و کربین، ۱۳۹۰، ۳۴). در واقع، «نظریه داده‌بنیاد، امکان کشف پدیده‌های حائز اهمیت برای مصاحبه‌شوندگان را در میدان فراهم می‌سازد» (جونز و آلونی، ۲۰۱۱). روش گردآوری داده‌ها نیز شامل مصاحبه، مشاهده و سایر منابع مختلفی همچون ویدئو، کتاب‌ها، روزنامه، نامه و اسناد دولتی است (کوربین و استراوس، ۱۹۹۰). در این مقاله بر اساس نظریه داده‌بنیاد و با روش کیفی، به این پرسش اساسی پاسخ داده می‌شود که چرا دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی خواهان تغییر رشته به حقوق هستند؟ بر همین اساس، تلاش شد با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری نظری با ۱۵ دانشجوی مقطع کارشناسی رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) در مصاحبه‌ای نیمه ساختاریافته به این پرسش، پاسخ داده شود. از میان مصاحبه‌شوندگان، ۹ زن و ۶ مرد بودند که ۱۱ نفر از آنها مجرد و ۴ متأهل، ۶ نفر غیربومی و ۹ نفر بومی استان قزوین، ۵ نفر شاغل پاره‌وقت و ۱۰ نفر غیر شاغل بودند. معدل ۶ نفر بالای ۱۹، ۵ نفر بالای ۱۷ و معدل ۴ نفر نیز ۱۶ و کمتر بود. ۳ نفر از این دانشجویان از سایر رشته‌ها مانند حسابداری (۲ نفر) و تاریخ تمدن و ملل اسلامی (۱ نفر) به فقه و حقوق اسلامی و ۱ نفر از حقوق به فقه و حقوق اسلامی تغییر رشته داده بودند البته یکی از آنها هم‌اکنون به‌طور هم‌زمان در دو رشته فقه و حقوق اسلامی و مترجمی زبان عربی تحصیل می‌کرد. ۱ نفر از رشته فقه و حقوق اسلامی به رشته حقوق رفته است. ۸ نفر از ۱۴ نفر قصد دارند در آزمون کارشناسی ارشد رشته خود را به حقوق تغییر دهند؛ ۲ نفر در مقطع کارشناسی ارشد، رشته فقه و حقوق اسلامی و ۱ نفر در رشته مترجمی زبان عربی ادامه تحصیل خواهند داد. ۲ نفر هنوز تصمیمی درباره انتخاب رشته تحصیلی خود در مقطع کارشناسی ارشد نگرفته‌اند و ۱ نفر هم قصد ادامه تحصیل ندارد. در این پژوهش، پس از مصاحبه با ۱۰ نفر اشباع

1. Jones & Alony

2. Corbin & Strauss

نظری حاصل شد، اما به جهت اطمینان، مصاحبه تا نفر پانزدهم ادامه یافت. در انتخاب افراد نمونه تلاش شد با دانشجویانی مصاحبه شود که به فهم عوامل مؤثر بر تمایل دانشجویان فقه و حقوق اسلامی به تغییر رشته، بیشترین کمک را می‌کنند. طول مدت مصاحبه‌ها بین ۴۰ دقیقه تا ۲ ساعت بوده است. در طول مصاحبه نیز با طرح پرسش‌هایی چون «منظور شما دقیقاً چیست؟ لطفاً توضیح بیشتری بدهید و آیا من درست متوجه شدم منظور شما این است که...» در رفع ابهام از پاسخ‌ها تلاش شد. تفسیر مصاحبه‌ها نیز بر اساس روش تحلیل تفسیری «استرواس و کوربین» صورت گرفته است. بر همین اساس، تحلیل با کدگذاری باز، آغاز شد و با کدگذاری گزینشی و تدوین نظریه به پایان رسید. مفاهیم طی بررسی خط به خط مصاحبه‌ها، شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آنها مشخص و سپس مقوله‌های فرعی در مرحله کدگذاری محوری با مقوله‌ها در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آن مرتبط شدند. در نهایت، با کدگذاری گزینشی مقوله‌ها یکپارچه شده و به مدل پارادایمی تبدیل شدند. در مرحله کدگذاری باز تعداد ۷۰۰ کد اولیه شناسایی شدند. طی مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌ها به یکدیگر پیوند داده شده و ارتباطات میان مقوله‌ها مشخص شدند. در مرحله کدگذاری انتخابی، این ارتباطات در سطح بالاتری از انتزاع گزارش شد. برای اعتباربخشی به مدل و نتایج، یافته‌ها با نظر مصاحبه‌شونده‌ها بررسی و تطبیق شد تا تفاسیر پژوهشگران مورد تأیید قرار گیرد. علاوه بر این، نتایج نیز در اختیار صاحب‌نظران دیگر قرار گرفت تا صحت کدگذاری و مقوله‌ها مشخص شود. همچنین، با بهره‌گیری از داده‌های ثانویه سعی بر آن شد که اعتبار نتایج نیز افزایش یابد.

پرسش‌های پژوهش

- علل تمایل دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی به تغییر رشته به حقوق چیست؟
- چه عواملی زمینه‌ساز شکل‌گیری تمایل به تغییر رشته دانشجویان فقه و حقوق اسلامی هستند؟

یافته‌های پژوهش

بر اساس سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی در نظریه داده‌بنیاد، مصاحبه‌ها تحلیل شد که نتایج کدگذاری باز در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲) نمونه‌ای از کدگذاری

تم (مضمون)	مقوله	زیرمقوله	کد اولیه		
کیفیت نظام آموزشی	نیروی انسانی متخصص	مهارت تدریس	<ul style="list-style-type: none"> ✓ شیوه تدریس استادان (مدعو و هیئت علمی) ✓ وابستگی استادان و اصرار آنها به رعایت چارت درسی ✓ تدریس یک‌سویه و نبود مباحثه در کلاس ✓ جزوه‌محوری در درس‌های حقوقی و عدم متن‌خوانی ✓ ایجاد علاقه نکردن در دانشجویان توسط استادان ✓ ناتوانی استادان در ساده‌سازی مفاهیم برای دانشجویان ✓ تدریس نکردن بر اساس چارت درسی ✓ فضای خشک کلاس در درس‌های فقه ✓ تدریس اشتباه یا تکراری درس‌ها و دوباره‌گویی استادان و ... 		
			اخلاق حرفه‌ای	<ul style="list-style-type: none"> ◆ انتقادناپذیری استادان ◆ اعتقاد استادان به اینکه دانشجو چیزی نمی‌داند (دست کم گرفتن دانشجو) ◆ تفاوت گذاشتن میان دانشجویان دختر و پسر ◆ نگاه پایین استادان حقوق به دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی ◆ نبود استادان سخت‌گیر و جدی ◆ همفکری نداشتن اعضای هیئت علمی با هم ◆ اخلاق استادان و ... 	
				مدیریت کلاس	<ul style="list-style-type: none"> ✱ مدیریت ناکارآمد کلاس ✱ رعایت نکردن زمان کلاس‌ها (مدیریت زمان)
					مهارت ارزشیابی
				ارتباط مؤثر	
					توانمندی‌های علمی
				ویژگی‌های فردی	

تم (مضمون)	مقوله	زیرمقوله	کد اولیه
برنامه ریزی آموزشی		قوانین آموزشی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ ضعف قوانین آموزشی ➤ تطابق نداشتن مباحث فقهی با درس های حقوقی ➤ سرفصل های متفاوت با رشته حقوق ➤ نامناسب بودن چارت درس ها ➤ زیاد بودن عناوین درس ها ➤ بی توجهی به کارآموزی و تربیت دانشجویان برای ورود به بازار کار ➤ قرار دادن این رشته به عنوان گرایشی از رشته الهیات
		ویژگی های رشته	<ul style="list-style-type: none"> 📖 سنگین بودن رشته فقه و حقوق اسلامی 📖 فشار مضاعف به دانشجویان برای خواندن هم زمان فقه و حقوق در آزمون ها 📖 جامعیت نداشتن رشته فقه و حقوق اسلامی برای شرکت در آزمون های وکالت و قضاوت 📖 استدلالی بودن رشته فقه و حقوق اسلامی و عدم کاربرد آن در جامعه 📖 فقه ساکت است و پویا نیست 📖 حجم زیاد مطالب 📖 میان بر بودن رشته فقه و حقوق اسلامی به رشته حقوق 📖 رشته رویکرد شغلی ندارد، بلکه بیشتر رویکرد تدریسی دارد و ...
		منابع	<ul style="list-style-type: none"> ○ به روز نبودن منابع رشته فقه و حقوق اسلامی ○ کمبود کتاب ○ عربی بودن متن کتاب ها ○ پراکندگی و همسو نبودن منابع
مدیریت		سبک مدیریتی	<ul style="list-style-type: none"> 🌀 نحوه چیدمان ساعت کلاس ها 🌀 تعویض مداوم استادان و ناشناخته بودن شیوه تدریس و ارزیابی آنها 🌀 برگزار نکردن کارگاه های مناسب برای برطرف کردن نیازهای درس های حقوقی 🌀 رعایت نکردن ترتیب منطقی در ارائه درس ها 🌀 دعوت از دانشجویان دکتری و دعوت نکردن از استادان کارآمد 🌀 لزوم ارائه درس های مرتبط و پیش نیاز به یک استاد 🌀 استفاده از استادان فقه در درس های حقوقی 🌀 کم بودن تعداد استادان

تم (مضمون)	مقوله	زیرمقوله	کد اولیه
		خدمات آموزشی	تمایز میان دانشجویان بومی و غیربومی توسط کارمندان آگاهی نداشتن از رشته تحصیلی به دلیل ارائه نکردن اطلاعات مناسب در هنگام ورود دانشجویان به دانشگاه ضعف خدمات آموزشی تعداد کم کارمندان نسبت به دانشجویان سن زیاد کارمندان وجود اطلاعات نادرست
	مقوله		کد
	ویژگی‌های فردی دانشجویان		علاقه نداشتن دانشجویان به رشته رقابت ناسالم گرایش نداشتن دانشجویان به دین و مسائل دینی نگرش منفی دانشجویان در ابتدای ورود به رشته فقه و حقوق اسلامی نبود تناسب بین شخصیت و رشته تحصیلی جو ناامیدی در بین دانشجویان اهمیت درس‌ها و استادان حقوقی نزد دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی نپذیرفتن درس‌های فقهی از سوی دانشجویان داشتن انگیزه‌های غیردرسی و شغلی نسبت به دانشگاه نبود روحیه پرسشگری و مطالبه‌گری در دانشجویان نبود اعتماد به نفس کافی در دانشجویان و اعتماد به اینکه در آزمون قبول می‌شود و ...
	موقعیت اجتماعی رشته		شناخت نداشتن از رشته حقوق در جامعه مدرک‌گرایی کسب منزلت اجتماعی با تحصیل در رشته حقوق نگرش منفی عرف به رشته فقه و حقوق اسلامی مقبولیت نداشتن دانشجویان فقه و حقوق اسلامی از سوی دانش‌آموختگان حوزوی و حقوق اطلاع‌رسانی مناسب نکردن درباره رشته در مدرسه‌ها کفایت نداشتن اطلاعات موجود در دفترچه انتخاب رشته
	موقعیت اقتصادی رشته		بازار کار و درآمدزایی بهتر رشته حقوق
	عامل کالبدی (محیطی)		دانشکده جدید

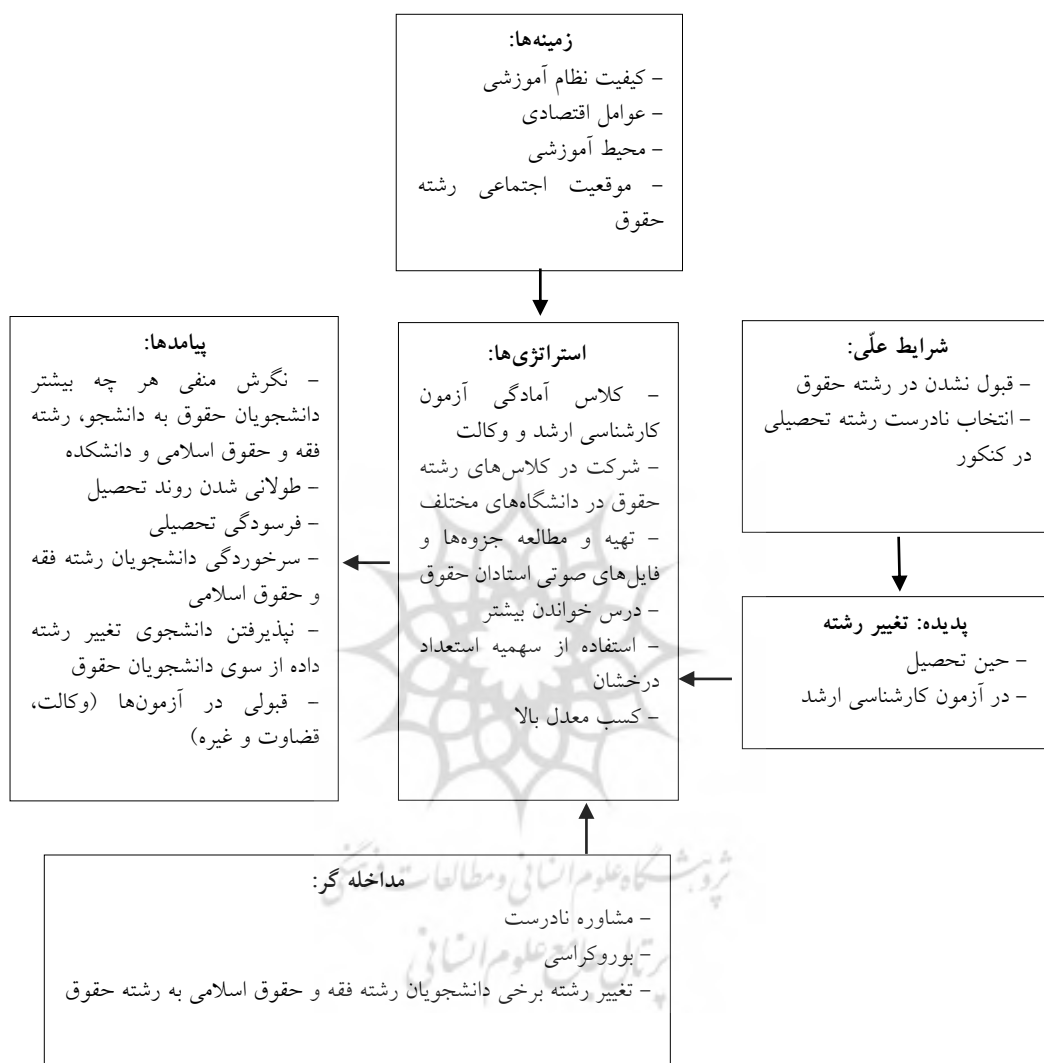
ناتوانی علوم انسانی در رفع نیازهای جامعه، همواره از مهم‌ترین مشکلات این رشته‌ها به حساب می‌آید. با گذشت سال‌ها و تبیین مداوم ضرورت توجه به نقش

رشته‌های علوم انسانی در حل مسائل اجتماعی در رسانه‌ها و دانشگاه‌ها، کماکان نگاه جامعه ایرانی نسبت به این شاخه منفی است و بسیاری معتقدند افراد با بهره‌هوشی پایین در این رشته‌ها تحصیل می‌کنند. در سال‌های اخیر، چند رشته معدود علوم انسانی مثل حقوق و روان‌شناسی بالینی در جامعه مورد توجه قرار گرفته و توانسته‌اند نگرش مثبتی را به خود جلب کنند. به همین دلیل، متقاضیان این رشته‌ها در کنکور علوم انسانی افزایش یافته و رقابت سختی میان آنان شکل گرفته که در نتیجه ضریب قبولی را کاهش داده است. این در حالی است که امکان انتخاب این رشته‌ها توسط داوطلبان رشته‌های (ریاضی و تجربی) نیز وجود دارد. هر سال، تعداد زیادی از دانشجویان برای کسب یا ارتقای منزلت اجتماعی از طریق ورود به رشته‌هایی خاص همچون حقوق، بسیار تلاش می‌کنند، زیرا «حقوق بالاترین رشته در شاخه علوم انسانی به حساب می‌آید»^۱ طبیعی است که در جامعه مدرک‌گرای ایرانی تحصیل در رشته حقوق می‌تواند به کسب مقبولیت اجتماعی منجر شود و راه مناسبی نیز برای ورود به بازار کار است. هنگامی که برخی داوطلبان به خاطر کسب رتبه‌های پایین، امکان ورود به این رشته را ندارند، از سوی مشاوران تحصیلی تشویق می‌شوند در رشته فقه و حقوق اسلامی درس بخوانند، زیرا آنها «رشته فقه و حقوق را میان‌بری به رشته حقوق می‌دانند». افراد نیز پس از ورود به این رشته به خاطر تصور اشتباه و ناآگاهی دچار مشکلاتی همچون فرسودگی تحصیلی، احساس سرخوردگی و ناامیدی به آینده می‌شوند. نکته قابل توجه آن است که بخش زیادی از این مشکلات در دانشجویان علوم انسانی همواره به ضعف نظام آموزشی برمی‌گردد. ضعف نیروی انسانی متخصص (استادان)، برنامه‌ریزی آموزشی و مدیریت از نگاه دانشجویان فقه و حقوق اسلامی، از مهم‌ترین علت‌های ضعف نظام آموزشی است. نیروی انسانی متخصص شامل ۷ زیرمقوله مهارت تدریس، اخلاق حرفه‌ای، مدیریت کلاس، مهارت ارزشیابی، ارتباط مؤثر، توانمندی‌های علمی و ویژگی‌های فردی است. برنامه‌ریزی آموزشی نیز شامل ۳ مقوله فرعی قوانین آموزشی، ویژگی‌های رشته و منابع است و در نهایت، مدیریت هم از ۲ زیرمقوله سبک مدیریتی و خدمات آموزشی تشکیل می‌شود. با توجه به جدول‌های پیشین، به نظر می‌رسد بخش عمده مشکلات این رشته به ضعف نیروی انسانی متخصص مربوط است. در مرحله کدگذاری محوری با توجه به هدف نگارش این مقاله، تغییر رشته به‌عنوان طبقه محوری،

۱. عبارات داخل گیومه در بخش یافته‌ها، نقل قول مستقیم از مصاحبه‌شوندگان است.

تعیین و ارتباط سایر مقوله‌ها با آن مشخص شد. تغییر رشته به حقوق حین تحصیل دوره کارشناسی (طبق ضوابط و مقررات فصل دهم آیین‌نامه آموزشی دوره‌های کاردانی، کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی پیوسته) یا از طریق آزمون کارشناسی ارشد رخ می‌دهد. ۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان در آزمون کارشناسی ارشد تصمیم داشتند رشته خود را تغییر دهند و یک نفر هم حین تحصیل به حقوق تغییر رشته داده است. نکته جالب اینکه وقتی از ۱۴ مصاحبه‌شونده (در زمان مصاحبه در رشته فقه و حقوق اسلامی درس می‌خواندند) پرسیده شد که برای رفتن به رشته حقوق تلاشی کرده‌اید یا خیر، بسیاری از آنها بیان کردند که تلاش‌هایی کرده، اما به جهت ضوابط یا بوروکراسی طاقت‌فرسا از آن صرف نظر کرده‌اند. با توجه به مطالب یاد شده و در پاسخ به پرسش اول، باید اذعان کرد شرایط علی تمایل دانشجویان به تغییر رشته، قبول نشدن در رشته حقوق است. تمایل شدید دانشجویان به حقوق موجب می‌شود که برای رسیدن به آن، تحصیل در رشته فقه و حقوق اسلامی را بپذیرند تا بتوانند در آینده نزدیک به هدف اصلی خود یعنی خواندن رشته حقوق برسند. در این میان، دانشجویانی هم هستند که به خاطر اشتباهات فردی مثل انتخاب نادرست رشته تحصیلی در هنگام شرکت در کنکور، مجبور به تحصیل در این رشته شده‌اند که طبق ضوابط و مقررات فصل دهم آیین‌نامه آموزشی دوره‌های کاردانی، کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی پیوسته و با سختی‌های زیاد موفق به تغییر رشته می‌شوند یا به خاطر شرایط بسیار سخت مراحل اداری از آن صرف نظر می‌کنند تا در کارشناسی ارشد تغییر رشته دهند. همچنین، در پاسخ به پرسش دوم باید گفت ضعف نظام آموزشی، ویژگی‌های فردی دانشجویان، موقعیت اجتماعی رشته، موقعیت اقتصادی رشته و عامل کالبدی (محیطی) نیز به‌عنوان مقوله زمینه‌ای به شمار می‌آیند. برخی دانشجویان نیز معتقد بودند نگاه جامعه به رشته فقه و حقوق اسلامی مثبت نیست، حتی برخی بر این باورند که «تعداد کمی از مردم این رشته را می‌شناسند». از سوی دیگر، بازار کار برای فارغ‌التحصیلان رشته حقوق با توجه به همین نگاه‌های اجتماعی بسیار بیشتر از رشته فقه و حقوق اسلامی است. به طور مثال، یکی از دانشجویان می‌گوید: «حقوق آینده شغلی بهتری دارد، زمینه قضایی، حقوقی، آموزشی و مشاوره‌ای دارد». جو حاکم بر دانشکده و فضای خشک کلاس‌های فقه افراد را به سمت رشته حقوق می‌کشاند که از نگاه دانشجویان مسئله‌محور و کاربردی است. تغییر رشته برخی دانشجویان به رشته حقوق حین تحصیل، بوروکراسی و مشاوره‌های نادرست نیز به عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شدند. معمولاً در کلاس‌هایی که یک

نفر موفق به تغییر رشته می‌شود، تقاضای انتقال به رشته حقوق در سایر دانشجویان نیز افزایش می‌یابد. گرچه در این میان، افرادی هستند که طبق ضوابط و مقررات فصل دهم آیین‌نامه آموزشی دوره‌های کاردانی، کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی پیوسته می‌توانند تغییر رشته بدهند، اما به جهت مراحل زیاد اداری از آن صرف نظر کرده‌اند. دانشجویان برای تحصیل در رشته حقوق راهبردهایی را مانند کلاس آمادگی آزمون کارشناسی ارشد و وکالت، شرکت در کلاس‌های رشته حقوق در دانشگاه‌های مختلف، تهیه و مطالعه جزوه‌ها و فایل‌های صوتی استادان رشته حقوق، درس خواندن بیشتر، استفاده از سهمیه استعداد درخشان و کسب معدل بالا اتخاذ می‌کنند که برای دانشجویان رشته و دانشکده پیامدهایی دارد. نگرش منفی هر چه بیشتر دانشجویان حقوق به دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی و در پی آن دانشکده، طولانی شدن روند تحصیل، فرسودگی تحصیلی، سرخوردگی دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی، پذیرفتن دانشجوی تغییر رشته داده از سوی دانشجویان حقوق از جمله این پیامدهاست. البته برخی دانشجویان با اتخاذ چنین روش‌هایی به خواسته خود یعنی تحصیل در رشته حقوق و دستیابی به شغل قضاوت و وکالت می‌رسند؛ اما برخی دیگر امکان تحصیل در رشته حقوق در مقاطع تحصیلی بالاتر برایشان فراهم نشده یا در آزمون‌های وکالت و قضاوت پذیرفته نمی‌شوند که سرخوردگی بیشتری را برای آنان در پی دارد. به طور کلی، نگرش دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی اغلب به این رشته منفی است، گرچه نسبت به ضرورت وجود آن در جامعه نگرش مثبتی دارند. در نهایت، بر اساس مرحله کدگذاری گزینشی مقوله اصلی به سایر مقوله‌های حاصل از کدگذاری باز و محوری پیوند داده می‌شود. هدف از این کدگذاری این است که مقوله‌ها در یک نظریه اصلاح و تکمیل شوند (لارنس و تار، ۲۰۱۳، ۳۳). *پایان جامع علوم انسانی*



نمودار (۱) مدل پارادایمی تمایل به تغییر رشته

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به خوبی نشان می‌دهد هدایت تحصیلی در ایران مورد توجه برنامه‌ریزان علمی کشور قرار نگرفته است. بسیاری از دانشجویان، رشته تحصیلی خود را در دانشگاه نه بر اساس علاقه، توانمندی و استعداد، بلکه بر اساس کسب موقعیت اجتماعی و درآمد

بالای احتمالی انتخاب می‌کنند. بی‌توجهی به انتخاب رشته درست موجب افسردگی و فرسودگی تحصیلی دانشجویان، افزایش هزینه‌های مالی، هدررفت بودجه و نابودی استعدادها و توانمندی‌های نیروی انسانی می‌شود که در درازمدت، اثرات و پیامدهای آن در سطوح کلان مشخص خواهد شد. از مهم‌ترین مشکلات رشته فقه و حقوق در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) توجه بیش از اندازه دانشجویان به رشته حقوق پیش از ورود به دانشگاه است. از نظر دانشجویان، رشته حقوق رشته‌ای کاربردی، با موقعیت اجتماعی مناسب و درآمد بالاست که تحصیل در آن، آینده بهتری را نسبت به رشته فقه و حقوق برای آنان فراهم می‌آورد. بر همین اساس، زمانی که امکان تحصیل در این رشته برایشان فراهم نمی‌شود، به تحصیل در رشته فقه و حقوق اسلامی مجبور می‌شوند که همین امر موجب فرسودگی تحصیلی در آنان می‌شود. علاوه بر این، کیفیت پایین آموزشی رشته مذکور نیز بر میزان این فرسودگی می‌افزاید. نکته قابل تأمل این است در صورت هدایت تحصیلی درست و مناسب، چه بسا بسیاری از این دانشجویان درمی‌یافتند تحصیل در رشته حقوق متناسب با شخصیت و توانمندی‌های آنان نیست. بر اساس نتایج این پژوهش، آن دسته از رویدادهایی که بر پدیده تغییر رشته اثر می‌گذارد، به عنوان شرایط علی در نظر گرفته می‌شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۰). بر همین اساس، در پاسخ به پرسش نخست باید اذعان کرد قبول نشدن در رشته حقوق و انتخاب نادرست رشته تحصیلی در هنگام شرکت در کنکور، علل اصلی تغییر رشته دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی است که با نتایج پژوهش محمودی (۱۳۸۱) مبنی بر انتخاب نادرست رشته در هنگام شرکت در کنکور همسویی دارد. «شرایط زمینه‌ای، منشأ در شرایط علی دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند» (استراوس و کربین، ۱۳۹۰، ۱۵۴). در پاسخ به پرسش دوم باید گفت ضعف نظام آموزشی، ویژگی‌های فردی دانشجویان، موقعیت اجتماعی رشته، موقعیت اقتصادی رشته و عامل کالبدی (محیطی) نیز مقوله‌های زمینه‌ای به شمار می‌آیند. این عوامل نیز در نتایج پژوهش‌های ماراده (۲۰۱۵)، زین‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷)، محمودی (۱۳۸۱) و ذکایی و باغینی (۱۳۹۲) دیده شده‌اند. شرایط دخیل که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند (استراوس و کربین، ۱۳۹۰، ۱۵۳) عبارت‌اند از: مشاوره نادرست، بوروکراسی و تغییر رشته برخی دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی به حقوق. هر چند دانشجویان برای جبران قبول نشدن در رشته حقوق، استراتژی‌هایی همچون شرکت در کلاس‌های رشته حقوق در دانشگاه‌های

مختلف، تهیه و مطالعه جزوه‌ها و فایل‌های صوتی استادان رشته حقوق، درس خواندن بیشتر و غیره را برمی‌گزینند، اما لزوماً اتخاذ این راهبردها پیامدهای مثبتی برای دانشجویان ندارد و امکان قبولی آنان را در مقطع کارشناسی ارشد حقوق، آزمون‌های وکالت و قضاوت فراهم نخواهد کرد. برخی مطالعات دیگر نیز علت تغییر رشته را ظرفیت دستیابی به شغل در رشته جدید، تغییر دانشکده و نارضایتی اعلام کرده‌اند.

پیشنهادها

☞ به نظر می‌رسد با توجه به رویارویی علوم انسانی با انسان و پدیده‌های مرتبط به آن، نظام آموزشی غیرمتمرکز باید در دستور کار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران جامعه علمی قرار گیرد. در نظام آموزشی غیرمتمرکز ضمن توجه به استعدادها و ظرفیت‌های یکایک دانشجویان، زمینه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی و نیازهای مورد نظر هر دانشگاه در نظر گرفته می‌شود. همچنین، در این نظام آموزشی، دانشجویان و استادان متناسب با شرایط و نیازهای خود، در برنامه‌ریزی و اجرای آن مشارکت اساسی دارند (فاطمی و فولادیان، ۱۳۸۸).

☞ مشاوران تحصیلی در دانشگاه‌های کشور باید دانشجویان را به گذراندن واحدهای مختلف در سال نخست تشویق کنند، زیرا بسیاری از دانشجویان در سال‌های ابتدایی درمی‌یابند که تحصیل در رشته دیگر برای آنها رضایتمندی را در بر دارد. به علاوه آنکه هر چه زمان می‌گذرد آنان باید هزینه و زمان بیشتری را صرف تکمیل دوران تحصیل خود در رشته دیگر کنند. اگر آنها بتوانند آموزش عمومی یا درس‌های انتخابی را در سال اول بگذارند، می‌توانند در تصمیم اولیه درباره انتخاب رشته خود، انتخابی داشته باشند که با منافع و علایق و مهارت آنها تناسب بیشتری دارد (میلسون، ۲۰۱۵).

☞ به نظر می‌رسد گنجاندن اطلاعات مربوط به معرفی رشته‌ها و مشاغل به عنوان درس‌های عمومی در برنامه درسی و گذراندن آن در نیمسال اول در هر دانشگاهی الزامی است.

☞ کوتاه کردن مدت تحصیل و توجه به واحدهای کارورزی در رشته‌های علوم انسانی ضمن آنکه می‌تواند ارتباط دانشجوی را با رشته تحصیلی خود بهبود ببخشد، می‌تواند ورود او را به محیط کار و اشتغال آسان‌تر کند.

☞ تبیین مناسب هدف‌های برنامه‌ریزی تحصیلی که در ارائه واحدهای درسی رخ می‌نماید، نیز می‌تواند به دانشجویان در برقراری ارتباط مناسب با رشته تحصیلی خود کمک کند. برقراری ارتباط میان درس‌های تدریس شده پیشین با درس‌های در حال تدریس نیز از وظایف استادان تمامی دانشگاه‌ها است.

☞ نگارش درسنامه‌های متناسب رشته فقه و حقوق اسلامی که مباحث فقهی با مباحث حقوقی درآمیخته شده نیز می‌تواند دانشجویان را در یافتن جایگاه مناسب خود در رشته، دانشکده، دانشگاه و در نهایت جامعه یاری کند.

☞ در نظر گرفتن واحدهای مهارت‌افزایی چون فن بیان، پرورش فکر، تفکر استدلالی، تفکر انتقادی و روش پژوهش نیز می‌تواند دانشجوی را برای ورود به مشاغل مرتبط به رشته خود آماده کند.

منابع

- استراوس، انسلم و کرین، جولیت (۱۳۹۶). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای؛ ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. بادامچی، محمدحسین و قائم‌خانی، محمد (۱۳۹۴). بحران تکنیک‌زدگی آموزش عالی در ایران؛ جامعه‌شناسی جریان مهاجرت نخبگان از رشته‌های مهندسی به علوم انسانی. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۱۹ (۳)، ۳۳۵ - ۳۵۸.
- جلالی فراهانی، مجید و علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۹۲). بررسی دلایل و انگیزه‌های حضور فارغ‌التحصیلان رشته‌های غیرتربیت بدنی در مقطع کارشناسی ارشد تربیت بدنی، از دیدگاه استادان. *پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی*، ۴، ۵۵-۸۸.
- جوهری، فاطمه (۱۳۸۷). مهاجرت علمی: بررسی علل گرایش دانش‌آموختگان رشته‌های غیر جامعه‌شناسی به تحصیل در رشته جامعه‌شناسی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹ (۳/۴)، ۸۹-۱۱۹.
- ذکایی، محمدسعید؛ شجاعی باغینی، نیما (۱۳۹۲). تغییر رشته‌ای‌ها انگیزه‌ها، انتظارات و ارزیابی دانشجویان رشته‌های غیر مرتبط از تحصیل در علوم انسانی. *فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)*، ۶۳، ۱۲۸ - ۱۷۵.
- زرافشانی، کیومرث؛ شرفی، لیدا؛ بیناییان، اکرم؛ ملک‌حسینی، افسانه و نوروزی، مرضیه (۱۳۹۵). بررسی علل انصراف دانشجویان از تحصیل؛ مورد دانشگاه رازی کرمانشاه. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۲ (۱)، ۱۹-۴۳.
- زین‌آبادی، حسن‌رضا؛ فرزانه، محمد و دارابی، فاطمه (۱۳۹۷). مهاجرت علمی: تأملی بر دلایل تغییر رشته در مقطع کارشناسی ارشد از سایر رشته‌ها به مدیریت آموزشی. *دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۷ (۱۳)، ۱۴۶-۱۶۹.
- فاطمی‌امین، زینب و فولادیان، مجید (۱۳۸۸). نظام آموزشی و بازدهی آموزشی مطالعه تطبیقی ۷۰ کشور جهان. *راهبرد فرهنگ*، ۲ (۷)، ۱۰۳-۱۳۰.
- محمودی، سید محمد (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر درخواست‌های تغییر رشته دانشجویان دانشگاه تهران. *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، ۴ (۱۵)، ۱۳۹-۱۶۱.
- معروفی، یحیی و آداک، موسی (۱۳۹۶). بازنمایی تجارب زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم تربیتی در ارتباط با پدیده تغییر رشته (مطالعه‌ای پدیدارشناسی).

مطالعات اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، ۷ (۲۰)، ۳۳-۵۵.

- Astorne-figari, C. & Speer, J. (2017). *Are changes of major major changes?* The roles of grades, genders and preferences in college major switching, 1-68, available at:
<http://www.carmenastorne.com/MajorChanges.pdf>
- Corbin, J. & Strauss, A. (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria. *Qualitative Sociology*, 13 (1), 3-21.
- Foraker, Matthew (2012). *Does changing majors really affect the time to graduate?* The impact of changing majors on student retention, graduation and time to graduate, available at:
https://www.wku.edu/instres/documents/air_major_change.pdf
- Jones, M. & Alony, I. (2011). Guiding the use of Grounded Theory in Doctoral studies – an example from the Australian film industry. *International Journal of Doctoral Studies*, 6 (N/A), 95-114.
- Lawrence, J. & Tar, U. (2013). The use of Grounded Theory Technique as a Practical Tool for Qualitative Data Collection and Analysis. *The Electronic Journal of Business Research Methods*. 11(1), pp. 29-40.
- Marade, A. A. (2015). *Changing college major: A comparison of student and faculty views*. A thesis submitted in practical fulfillment of the requirements for the degree of master of Arts in psychology, Middle Tennessee state university.
- Milson, A. (2015). Satisfaction with College Major: A Grounded Theory Study. *NACADA Journal Volume*, 35 (2), 5-15.
- Parter, S. R. & Umbach, P. D. (2006). College major choice: an analysis of person- environment fit. *Research in higher education*, 47 (4), 429-449.
- Seymour, L. F. & Serumola, T. (2016). Events that lead university students to change their major to information systems: a reproductive South African case. *SACJ*, 28 (1), 18-43.